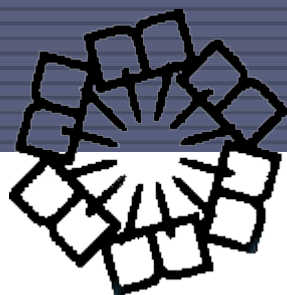


معاونت پژوهشی

بررسی وضعیت بازار کار ایران در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳

تیر ۱۳۹۴



معاونت پژوهشی

بررسی وضعیت بازار کار ایران در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳

نویسنده :

مهران بهنیا

تاریخ گزارش :

تیرماه ۱۳۹۴



خلاصه مدیریتی:

بررسی آمارهای اشتغال کشور نشان می‌دهد تعداد شاغلان کشور طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳، یعنی در یک دوره ۱۰ ساله، به میزان ۶۸۴ هزار نفر افزایش یافته است. در حالی که طی همین دوره نزدیک به ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر به جمعیت در سن کار کشور -جمعیت ۱۰ سال و بیشتر- اضافه شده است. لذا بخش اصلی افزایش جمعیت در سن کار و جوان کشور، به جمعیت غیرفعال و بیکار افزوده شده است. اما نکته قابل تامل در این آمارها آن است که اگر افزایش اشتغال بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ بررسی شود، مشاهده خواهد شد که اشتغال هر دو سال ابتدایی و انتهایی ۲۰،۶ میلیون نفر بوده و لذا افزایش اشتغال در این دوره بسیار اندک است (در حدود ۹۶۰۰ نفر در کل دوره). در نتیجه همین میزان ۶۸۴ هزار نفر افزایش اشتغال در دوره ۱۰ ساله ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳، ناشی از تحولات اشتغال در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ است. از این روی شناخت تحولات وضعیت بازار کار در این دو سال از اهمیت زیادی برخوردار است. تعداد شاغلان در دو فصل اول سال ۱۳۹۲ با افزایش چشمگیری نسبت به دو فصل ابتدایی سال ۱۳۹۱ به مرز ۲۲ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر می‌رسد. این در حالی است که از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ در هیچ فصلی تعداد شاغلان به میزان ۲۲ میلیون نفر نرسیده است. در نتیجه تحولات اشتغال در دو فصل ابتدایی سال ۱۳۹۲ سبب شده است اشتغال کل سال ۱۳۹۲ نسبت به سال ۱۳۹۱ و نسبت به میانگین کل دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ در حدود ۷۰۰ هزار نفر افزایش داشته باشد. از سوی دیگر در سال ۱۳۹۳ میزان اشتغال بر خلاف تحولات نوسانی آن در سال ۱۳۹۲، روند با ثباتی را طی می‌کند و میانگین آن در فصول سال ۱۳۹۳ به گونه‌ای است که کل اشتغال سال ۱۳۹۳ تقریباً برابر اشتغال سال ۱۳۹۲ است و سبب می‌شود رقم اشتغال کل به ثبات نسبی در محدوده ۲۱،۳ میلیون نفر برسد که نسبت به متوسط اشتغال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱، ۷۰۰ هزار نفر بیشتر است.

بنابراین در این گزارش سعی شده است به دو سوال زیر پاسخ داده شود:

(۱) علت افزایش اشتغال در دو فصل ابتدایی سال ۱۳۹۲ چیست و چگونه با وجود رشد اقتصادی منفی در این دو فصل اشتغال افزایش

یافته و به بیشترین مقدار خود طی تمامی دوره‌های اقتصاد ایران رسیده است؟

(۲) آیا بهبود نسبی اشتغال در سال ۱۳۹۳ ناشی از بهبود نسبی وضعیت کلی اقتصاد کشور نسبت به سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ بوده

است و اثر این تحولات بر میزان اشتغال، پایدار خواهد ماند؟

برای پاسخ به سوالات بالا، پویایی تغییرات جمعیت شاغل مورد توجه قرار گرفته است؛ آنچه که به عنوان «تعداد شاغلان کل کشور» در هر فصل مشاهده می‌شود، نتیجه دینامیک تحولات جمعیت شاغل در هر دوره است که طی آن بخشی به جمعیت شاغل اضافه می‌شود، بخشی از جمعیت شاغل خارج می‌شوند و بخشی نیز در همان وضعیت قبلی خود باقی می‌ماند و در نهایت اثر آنها در میزان اشتغال کل نمایان می‌شود. در این بررسی میزان ورود به جمعیت شاغل و میزان خروج از آن محاسبه شده و بر اساس نتایج بدست آمده پاسخ سوالات ۱ و ۲ به شرح زیر است.

دینامیک تغییرات جمعیت شاغل شاغل در هر دوره نسبت به دوره قبل

$$\boxed{\text{خروج از جمعیت شاغل}} - \boxed{\text{ورود به جمعیت شاغل}} + \boxed{\text{بخش بدون تغییر جمعیت شاغل}} = \boxed{\text{جمعیت شاغل در هر فصل}}$$

پاسخ سوال ۱: با توجه به عدم افزایش معنادار تعداد شغل اولی‌ها (کسانی که در هر فصل برای اولین بار شاغل شده‌اند) و عدم افزایش معنادار کل استخدام‌های انجام شده در دو فصل ابتدایی سال ۱۳۹۲ نسبت به فصول ابتدایی سال ۱۳۹۱ (عدم افزایش ورود به جمعیت شاغل) در کنار کاهش معنادار خروج از جمعیت شاغل در این دو فصل، این نتیجه حاصل می‌شود که افزایش اشتغال در دو فصل ابتدایی سال ۱۳۹۲ ناشی از ایجاد شغل یا فرصت‌های جدید نبوده است. بلکه کاهش میزان خروج از جمعیت شاغل (کاهش تعدیل نیروی کار) -که به نظر می‌رسد از فضای انتظاری ناشی از تحولات سیاسی کشور نشأت گرفته باشد- سبب بیشتر شدن آمار جمعیت شاغلان نسبت به سال‌های قبل بوده است.

پاسخ سوال ۲: در سال ۱۳۹۳ تعداد شغل اولی‌ها و تعداد کل استخدام‌های انجام شده (میزان ورود به جمعیت شاغل) در ادامه یک روند نزولی که از سال ۱۳۹۰ آغاز شده است به کمترین میزان خود طی ۱۰ سال اخیر می‌رسد. از سوی دیگر میزان خروج از جمعیت شاغل در پی کاهش سال ۱۳۹۲، در سال ۱۳۹۳ نیز به مقادیر قبلی بازمی‌گردد و با توجه به ثبات تحولات سیاسی و ثبات نسبی اقتصاد کلان، نوسانات ورود،



خروج و تعداد کل شاغلان در این سال کم بوده است. بنابراین به نظر می‌رسد انتظارات مثبت نسبت به آینده، از اثر گذاری بالایی در بازار کار کشور برخوردار است. با توجه به این تفسیر نمی‌توان این وضعیت را با ثبات دانست و تحولات آتی در وضعیت تحریم‌ها و فضای اقتصادی کشور می‌تواند اثرات تعیین کننده‌ای بر میزان ورود و خروج به جمعیت شاغل و در نتیجه میزان اشتغال کل داشته باشد.

از سوی دیگر بررسی‌های انجام شده در این گزارش نشان می‌دهد عدم افزایش اشتغال در دهه گذشته سبب شده است "نسبت کل جمعیت به تعداد شاغلان" طی سال‌های ۸۴ تا ۹۳ از ۳,۳ به حدود ۳,۶ درصد برسد. بدین معنی که در اقتصاد ایران و در سال ۱۳۹۳ هر فرد شاغل، تامین کننده ۳,۶ نفر است که این رقم بسیار بالاتر از نرم‌های جهانی است. افزایش این نسبت طی سال‌های اخیر به معنای دشواری تامین نیازهای خانوارها و در نتیجه گسترش فقر است. بررسی "سهم جمعیت غیرفعال از کل جمعیت" نیز نشان می‌دهد این نسبت در کشور حدود ۵۰ درصد بوده و طی دهه اخیر روندی افزایشی را نیز طی کرده است. میزان بالای این سهم، روند افزایشی آن و به خصوص سهم غالب نیروی جوان و تحصیل کرده در بین جمعیت غیرفعال، هشدار جدی برای بروز انواع مختلفی از نابسامانی‌های اجتماعی است. بنابراین تداوم وضعیت بازار کار کشور، دو نتیجه محتوم گسترش فقر و افزایش نابسامانی‌های اجتماعی مانند افزایش اعتیاد، طلاق، جرم و ... را در پی دارد. از طرفی بررسی آمارهای نرخ مشارکت نشان از بروز تغییراتی در تصمیم افراد غیر فعال برای ورود به بازار کار دارد. نرخ مشارکت طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ روندی کاهشی را پیموده و تقریباً طی فصول مختلف الگوی یکسانی تکرار شده است. بدین معنی که در هر سال نرخ مشارکت در فصل تابستان از سایر فصول بیشتر است و پس از آن به ترتیب فصول بهار، پاییز و زمستان قرار دارند. اما تغییرات این نرخ در سال ۱۳۹۳ متفاوت از سال‌های قبل است و علاوه بر آنکه روند کاهشی نرخ مشارکت متوقف شده، الگوی فصلی آن نیز به کلی تغییر کرده است. تداوم این وضعیت در سال ۱۳۹۴ به معنی تغییر تصمیم جمعیت غیرفعال برای خارج ماندن از بازار کار است و بخشی از این جمعیت تصمیم به جستجو برای یافتن شغل خواهد گرفت و اگر اقتصاد قادر نباشد متناسب با این تحولات، اشتغال جدید ایجاد نماید، نرخ بیکاری روندی افزایشی را در پیش خواهد گرفت.

در مجموع بررسی‌های انجام شده در این گزارش در مورد شرایط بازار کار در اقتصاد ایران بیان کننده آنست که طی ده سال گذشته، به‌طور کاملاً استثنایی، بیشترین میزان افزایش جمعیت در سن کار و کمترین میزان اشتغال به‌طور همزمان اتفاق افتاده است. عدم انعکاس این شکاف بزرگ در نرخ بیکاری ناشی از دو عامل افزایش قابل توجه تعداد دانشجویان از یک طرف- که به معنی به تعویق افتادن و ورود یکباره جمعیت تحصیل کرده به بازار کار است- و اثر مایوس شدن بخش دیگری از جمعیت و عدم ورود به جمعیت جویای کار بوده است. در صورتی که خوش‌بینی نسبت به آینده در جامعه ایجاد شود، حجم بزرگی از جمعیت غیرفعال، به میزانی بسیار فراتر از ظرفیت ایجاد شغل در اقتصاد، می‌توانند به جمعیت فعال تبدیل شوند که حاصل آن، حتی در صورت عملکرد مناسب و مطلوب اقتصاد و اشتغال‌زایی بالا، با افزایش قابل توجه نرخ بیکاری همراه خواهد بود. بررسی‌های به عمل آمده در این گزارش نشان می‌دهد که از ابتدای سال ۱۳۹۲، احتمالاً به دلیل خوش‌بینی ناشی از تحولات مورد انتظار در فرایند انتخابات ریاست جمهوری، میزان خروج از بازار کار (تعدیل نیروی کار) به میزان قابل توجهی کاهش داشته است و در سال ۱۳۹۳ هم به مقادیر قبلی بازمی‌گردد. علاوه بر آن، انتقال از جمعیت غیرفعال به فعال نیز از سال ۱۳۹۳ آغاز شده است. تغییر در الگوی نرخ مشارکت در کنار بروز علایم بهبود انتظارات از سال ۱۳۹۲، در کنار افزایش قابل انتظار در تعداد دانش‌آموختگان دانشگاهی، بیانگر نکات مهمی در مورد آینده بازار کار در اقتصاد ایران طی سال‌های نزدیک پیش رو است.

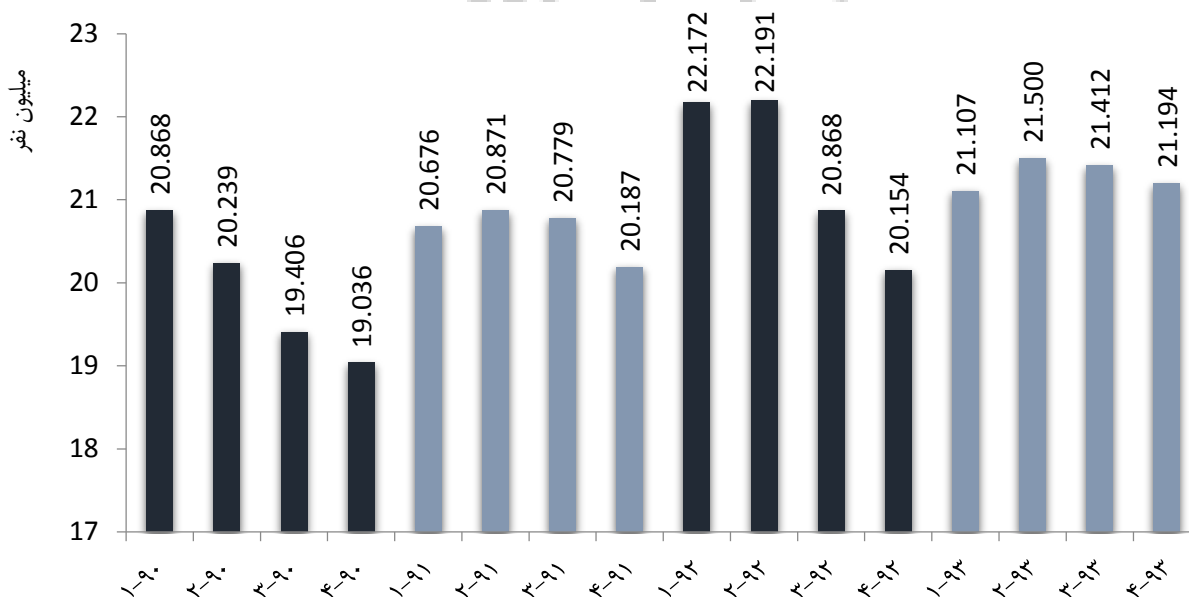


مقدمه

بررسی آمارهای اشتغال کشور نشان می‌دهد تعداد شاغلان کشور طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳، یعنی در یک دوره ۱۰ ساله، به میزان ۶۸۴ هزار نفر افزایش یافته است (به طور متوسط ۷۶ هزار نفر به ازای هر سال). در حالی که طی همین دوره نزدیک به ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر به جمعیت در سن کار کشور -جمعیت ۱۰ سال و بیشتر- اضافه شده که بیانگر عدم افزایش اشتغال متناسب با افزایش جمعیت در سن کار کشور بوده است. لذا بخش اصلی افزایش جمعیت در سن کار و جوان کشور، به جمعیت غیرفعال و بیکار افزوده شده است. اما نکته قابل تامل در این آمارها آن است که اگر افزایش اشتغال بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ بررسی شود، مشاهده خواهد شد که اشتغال هر دو سال ابتدایی و انتهایی ۲۰۶ میلیون نفر بوده و لذا افزایش اشتغال در این دوره بسیار اندک است (در حدود ۹۶۰۰ نفر در کل دوره). در نتیجه همین میزان ۶۸۴ هزار نفر افزایش اشتغال در دوره ۱۰ ساله ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳، ناشی از تحولات اشتغال در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ است. از این روی شناخت تحولات وضعیت بازار کار در این دو سال از اهمیت زیادی برخوردار است و در این بررسی سعی شده است از زاویه متفاوتی تحولات وضعیت بازار کار بررسی شود.

در این گزارش تلاش می‌شود به دو سوال پاسخ داده شود. سوال اول چرایی افزایش جهشی خالص اشتغال در دو فصل اول سال ۱۳۹۲ است. همان‌طور که در نمودار ۱ نشان داده شده است، تعداد شاغلان در دو فصل اول سال ۱۳۹۲ با افزایش چشمگیری نسبت به دو فصل ابتدایی سال ۱۳۹۱ به مرز ۲۲ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر می‌رسد (در فصول بهار و تابستان ۱۳۹۲ تعداد شاغلان نسبت به فصول مشابه سال ۱۳۹۱ به ترتیب ۱،۳ و ۱،۵ میلیون نفر افزایش یافته است). این در حالی است که از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ در هیچ فصلی تعداد شاغلان به عدد ۲۲ میلیون نرسیده و در فصول پایانی سال ۱۳۹۲ نیز تعداد شاغلان تفاوت قابل توجهی با فصول مشابه سال ۱۳۹۱ ندارد. لذا تحولات اشتغال در دو فصل ابتدایی سال ۱۳۹۲ سبب شده است اشتغال کل سال ۱۳۹۲ نسبت به سال ۱۳۹۱ و نسبت به میانگین کل دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ در حدود ۷۰۰ هزار نفر افزایش داشته باشد. بر این اساس شناخت تحولات این دو فصل و علت افزایش قابل توجه اشتغال آنها بسیار مهم است. به خصوص بر اساس آمار حساب‌های ملی، رشد اقتصادی در این دو فصل منفی بوده است (به ترتیب ۱،۴- و ۰،۹-). لذا اولین سوالی که مطرح می‌شود این است که چگونه با وجود رشد منفی در این دو فصل، اشتغال افزایش یافته و به بیشترین مقدار خود طی تمامی دوره‌های اقتصاد ایران رسیده است؟

نمودار ۱- تعداد شاغلان کل کشور طی بهار ۱۳۹۰ تا زمستان ۱۳۹۳



منبع: محاسبات محققین از داده‌های طرح آمارگیری از نیروی کار



سوال دوم به ارزیابی وضعیت اشتغال در سال ۱۳۹۳ و قابلیت تداوم آن در سال های بعد مربوط می شود. در سال ۱۳۹۳ میزان اشتغال بر خلاف تحولات نوسانی آن در سال ۱۳۹۲، روند با ثباتی را طی می کند و میانگین آن در فصول مختلف سال ۱۳۹۳ به گونه ای است که کل اشتغال سال ۱۳۹۳ تقریباً برابر اشتغال سال ۱۳۹۲ است و سبب می شود افزایش اشتغال ایجاد شده در سال ۱۳۹۲ تثبیت شود. لذا مشاهده می شود رقم اشتغال در فصول مختلف سال ۱۳۹۳ نسبت به فصول مشابه سال ۱۳۹۱ و دو فصل پایانی ۱۳۹۲ افزایش یافته است و رقم اشتغال کل به ثبات نسبی در محدوده ۲۱,۳ میلیون نفر رسیده است که نسبت به متوسط اشتغال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱، ۷۰۰ هزار نفر بیشتر است. با توجه به این مشاهده، سوالی که مطرح می شود این است که آیا بهبود نسبی اشتغال در سال ۱۳۹۳ ناشی از بهبود نسبی وضعیت کلی اقتصاد کشور نسبت به سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ بوده است؟ و آیا این تحولات در میزان اشتغال، تحولاتی پایدار خواهد بود؟ زیرا طی سال های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸ نیز میزان اشتغال به حدود ۲۱ میلیون نفر رسیده بود اما در سال های بعد از آن با کاهش مواجه شد، به طوریکه میانگین دوره در محدود ۲۰,۶ میلیون نفر - که همان میزان اشتغال سال ۱۳۸۴ است - تثبیت شد. بر این اساس شناخت تحولات اشتغال در سال ۱۳۹۳ و بررسی میزان پایداری آن سوال بعدی است که در این بررسی مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین در بخش اول این بررسی سعی می شود به دو سوال اصلی زیر پاسخ داده شود:

سوال ۱: علت افزایش اشتغال در دو فصل ابتدایی سال ۱۳۹۲ چیست؟

سوال ۲: آیا افزایش نسبی اشتغال در سال ۱۳۹۳ نسبت به فصول انتهایی سال ۱۳۹۲ ناشی از بهبود شرایط اقتصادی است و پایدار خواهد ماند؟

همچنین در بخش دوم گزارش حاضر با بررسی روند برخی متغیرهای بازار کار، اشاراتی به وضعیت بازار کار در سال های آتی صورت می گیرد. داده های مورد استفاده در این پژوهش شامل داده های فصلی طرح آمارگیری از نیروی کار مرکز آمار، طی سال های ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۹۳ است.

۱- پویایی تحولات جمعیت شاغل

اگرچه رقم تعداد شاغلان در هر دوره و محاسبه خالص اشتغال، از نظر میزان اشتغال زایی اقتصاد بسیار حائز اهمیت است، اما توجه صرف به رقم اشتغال هر فصل یا هر سال نمی تواند بیانگر تمامی تغییرات جمعیت شاغل باشد. آنچه که به عنوان «تعداد شاغلان کل کشور» در هر فصل مشاهده می شود، نتیجه دینامیک تحولات جمعیت شاغل در هر دوره است که طی آن بخشی به جمعیت شاغل اضافه می شود، بخشی از جمعیت شاغل خارج می شوند (اختیاری یا غیراختیاری) و بخشی نیز در همان وضعیت قبلی خود باقی می ماند و در نهایت اثر آنها در میزان اشتغال کل نمایان می شود. لذا حتی اگر تعداد شاغلان در یک دوره ثابت بماند - بدین معنی که خالص اشتغال ایجاد شده صفر باشد - بهتر است با بررسی دینامیک جمعیت شاغل مشخص شود چه بخشی از جمعیت شاغل بدون تغییر مانده است و چه بخشی خارج یا وارد شده اند. زیرا ممکن است در یک دوره با وجود ثبات در جمعیت شاغل، پویایی بازار کار بالا باشد و بخش زیادی از جمعیت شاغل جایگزین شود و در دوره دیگری این پویایی کاهش یابد. لذا همان طور که در ادامه مشاهده خواهد شد، شناسایی دینامیک جمعیت شاغل می تواند حاوی اطلاعات بسیار مفیدی در تحلیل شرایط بازار کار کشور در واکنش به سایر متغیرهای اقتصادی و غیراقتصادی باشد. در شکل ۱ دینامیک توضیح داده شده ترسیم شده است. در واقع آنچه در هر فصل به عنوان جمعیت شاغل کشور مشاهده می شود نتیجه تحولاتی است که بین جمعیت شاغل و جمعیت بیکار و غیرفعال رخ می دهد. بدین معنی که همواره بخشی از جمعیت شاغل دوره قبل در دوره حاضر بیکار یا غیرفعال می شوند (خروج از جمعیت شاغل)، در مقابل بخشی از جمعیت غیرفعال یا بیکار دوره قبل در دوره حاضر شاغل می شوند (ورود به جمعیت شاغل) و بخشی نیز که در دوره قبل شاغل بوده اند، در این دوره نیز شاغل می مانند (بخش بدون تغییر جمعیت شاغل).

$$\boxed{\text{خروج از جمعیت شاغل}} - \boxed{\text{ورود به جمعیت شاغل}} + \boxed{\text{بخش بدون تغییر جمعیت شاغل}} = \boxed{\text{جمعیت شاغل در هر فصل}}$$

شکل ۱- دینامیک تغییرات جمعیت شاغل در هر دوره نسبت به دوره قبل

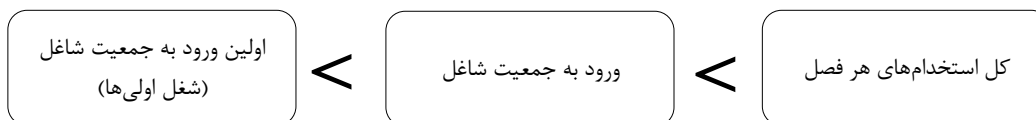


در ادامه تعاریف ورود به جمعیت شاغل و خروج از آن در سال منتهی به هر فصل بیان شده و با توجه به محدودیت داده‌های طرح آمارگیری از نیروی کار آنچه را که به عنوان ورود و خروج از جمعیت شاغل قابل محاسبه است، ذکر می‌شود.

- ورود به جمعیت شاغل

هر فرد که در یک فصل به عنوان شاغل شناخته می‌شود، می‌تواند چهار حالت متفاوت در دوره قبل از آن (سال منتهی به آن فصل) داشته باشد. **اول**، این فرد در سال منتهی به آن فصل بیکار بوده و سپس شاغل شده است. **دوم**، در سال منتهی به آن فصل غیرفعال بوده و شاغل شده است. **سوم**، در شغل دیگری شاغل بوده اما در فصل مورد بررسی با حفظ وضعیت شاغل بودن، شغل خود را تغییر داده و **چهارم** این فرد در سال منتهی به فصل مورد بررسی در همان شغل خود باقی مانده است. آنچه به عنوان ورود به جمعیت شاغل در نظر گرفته می‌شود مربوط به دو گروه اول می‌شود، یعنی مجموعه افرادی که در سال منتهی به هر فصل بیکار یا غیرفعال بوده‌اند و در فصل مورد بررسی شاغل شده‌اند. اما محدودیت‌های داده‌های طرح آمارگیری از نیروی کار سبب می‌شود امکان برآورد کلیه جمعیت ذکر شده فراهم نباشد. زیرا افراد بیکار و غیرفعالی که در یک دوره شاغل شده‌اند، ممکن است دو سابقه شغلی متفاوت داشته باشند؛ اول آنکه این افراد برای اولین بار است که شاغل می‌شوند و در تمامی سابقه خود، در هیچ دوره‌ای شاغل نبوده‌اند و دوم افرادی که قبلاً شاغل بوده‌اند، اما پس از گذراندن یک دوره بیکاری یا غیرفعال بودن، مجدداً شاغل شده‌اند. بنا به پرسشنامه طرح آمارگیری از نیروی کار، امکان تفکیک وضعیت قبلی افراد میسر نیست و تنها دو امکان برای ارائه تخمینی نزدیک به "ورود به جمعیت شاغل" وجود دارد. اول آنکه می‌توان تعداد افرادی که دارای هیچ سابقه شغلی نبوده‌اند (افرادی که برای اولین بار شاغل شده‌اند) و در سال منتهی به هر فصل شاغل شده‌اند را برآورد نمود. در واقع این افراد بخشی از ورود به جمعیت شاغل هستند و تمامی آن نیستند. زیرا همانطور که ذکر شد افرادی که قبلاً شاغل بوده و پس از یک دوره بیکاری یا غیرفعال بودن مجدداً به جمعیت شاغل وارد می‌شوند، در این روش محاسبه نمی‌شوند. لذا برآورد تعداد افرادی که برای اولین بار شاغل می‌شوند (شغل اولی‌ها)، میزان کمتری از کل ورود به جمعیت شاغل در هر فصل است.

دومین امکان برای ارائه تخمینی از میزان ورود به جمعیت شاغل، برآورد تعداد افرادی است که در سال منتهی به هر فصل در شغلی مشغول به کار شده‌اند، بدون اینکه بتوان شرطی برای وضعیت قبلی آنها اعمال کرد. لذا این افراد شامل سه دسته از شاغلان می‌شود؛ اول افرادی که برای اولین بار است که شاغل شده‌اند و قبلاً بیکار یا غیرفعال بوده‌اند (مانند مورد قبل)، دوم افرادی که دارای سابقه شغلی هستند و پس از یک دوره بیکاری یا غیرفعال بودن مجدداً شاغل شده‌اند و سوم افرادی که بدون فاصله، از شغلی به شغل دیگر وارد شده‌اند. در واقع این برآورد مجموع سه حالت اول ممکن برای سابقه افراد شاغل در هر فصل است. بنابراین در این رویکرد کل استخدام‌های انجام شده در سال منتهی به هر فصل محاسبه می‌شود. واضحاً برآورد کل استخدام‌های انجام شده در هر فصل رقمی بیشتر از ورود به جمعیت شاغل است. اما می‌توان در این برآورد ادعا کرد که کلیه استخدام‌های انجام شده در سال منتهی به هر فصل محاسبه شده‌است. در مجموع از آنجایی که نمی‌توان با استفاده از داده‌های طرح آمارگیری از نیروی کار کل ورود به جمعیت شاغل در سال منتهی به هر فصل را برآورد نمود، کران‌های بالا و پایین آن یعنی کل استخدام‌های انجام شده در هر فصل و میزان افرادی که در هر فصل برای اولین بار شاغل شده‌اند قابل محاسبه است.





- خروج از جمعیت شاغل

خروج از جمعیت شاغل نیز به مجموعه افرادی اطلاق می‌شوند که در فصل مورد بررسی بیکار یا غیرفعال شناسایی شده‌اند اما در دوره قبل (سال منتهی به فصل مورد بررسی) شاغل بوده‌اند. لازم به توضیح است همواره بخشی از جمعیت شاغل به دلایل مختلف از جمله اخراج از کار، کیفیت پایین شغل، تحصیل، ازدواج، عدم موفقیت در شغل (برای کارکنان مستقل) و برخی موارد دیگر از جمعیت شاغل خارج می‌شوند و به جمعیت بیکار یا غیرفعال اضافه می‌شوند. بنا بر محدودیت‌های مجموعه داده‌های طرح آمارگیری از نیروی کار امکان برآورد تمامی جمعیتی که در سال منتهی به هر فصل از جمعیت شاغل خارج می‌شوند فراهم نیست، زیرا از افرادی که در هر فصل غیرفعال شناسایی می‌شوند "تجربه شغل قبلی" آنها سوال نمی‌شود و نمی‌توان تعداد افرادی که در هر فصل غیرفعال هستند به شرط آنکه در دوره قبل (سال منتهی به هر فصل) شاغل بوده‌اند را برآورد نمود. لذا با توجه به امکانات داده‌های طرح آمارگیری از نیروی کار می‌توان بخشی از خروج از جمعیت شاغل در هر فصل را برآورد نمود؛ یعنی تعداد افرادی که در هر فصل بیکار هستند به شرط آنکه در دوره قبل، شاغل بوده‌اند. این محدودیت سبب می‌شود بخش مهمی از جمعیتی که در هر فصل از جمعیت شاغل خارج می‌شوند امکان پذیر نباشد. زیرا احتمالاً تعداد افرادی که شغلی داشته‌اند و بنا به کیفیت پایین شغل یا دلایلی دیگر از وضعیت شاغل بودن خارج شده و به ادامه تحصیل می‌پردازند یا خانه‌دار می‌شوند (در خصوص زنان) قابل توجه است که در بنا به محدودیت‌ها داده‌ها نمی‌توان تخمینی از آن ارائه نمود.

در مجموع با در نظر داشتن محدودیت‌های موجود، متغیرهای زیر برای احصاء میزان خروج از جمعیت شاغل و ورود به آن برآورد شده است:

- ورود به جمعیت شاغل:

- تعداد افرادی که برای اولین ورود شاغل شده‌اند (شغل اولی‌ها).
- کل استخدام‌های انجام شده در هر فصل شامل شغل اولی‌ها، افرادی که پس از یک دوره بیکاری یا غیرفعال بودن شاغل شده‌اند و افرادی که با حفظ وضعیت "شاغل بودن" تغییر شغل داده‌اند.

- خروج از جمعیت شاغل:

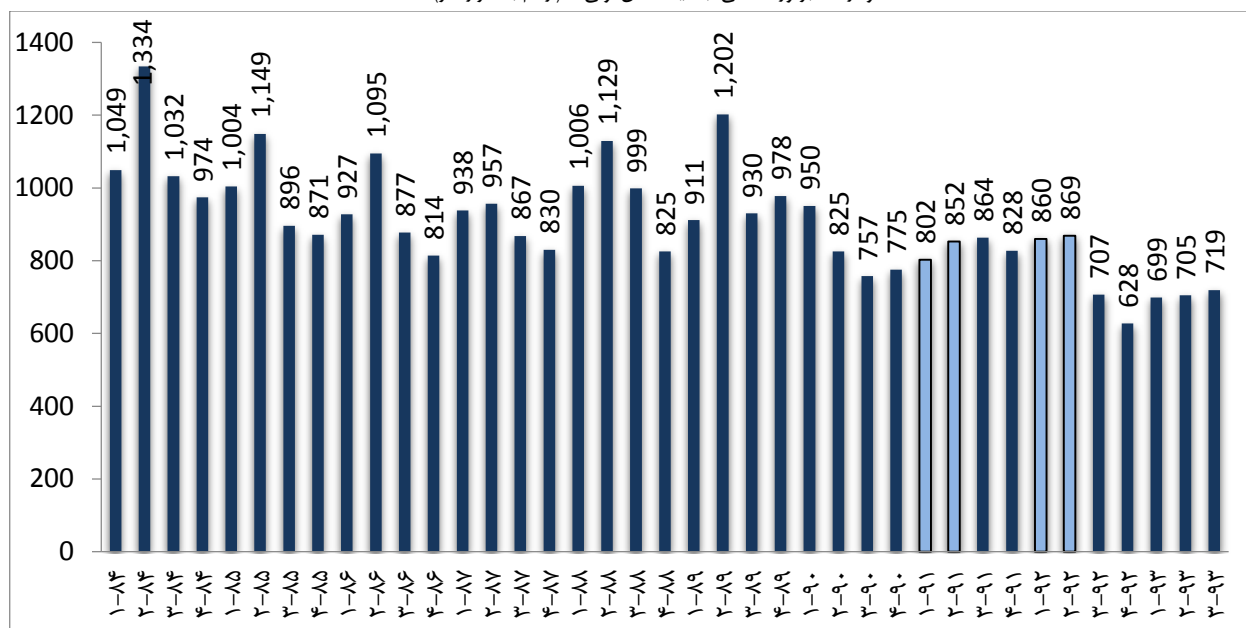
- تعداد بیکارانی که قبلاً شاغل بوده‌اند.

۱-۱- بررسی نتایج برآورد میزان ورود به جمعیت شاغل:

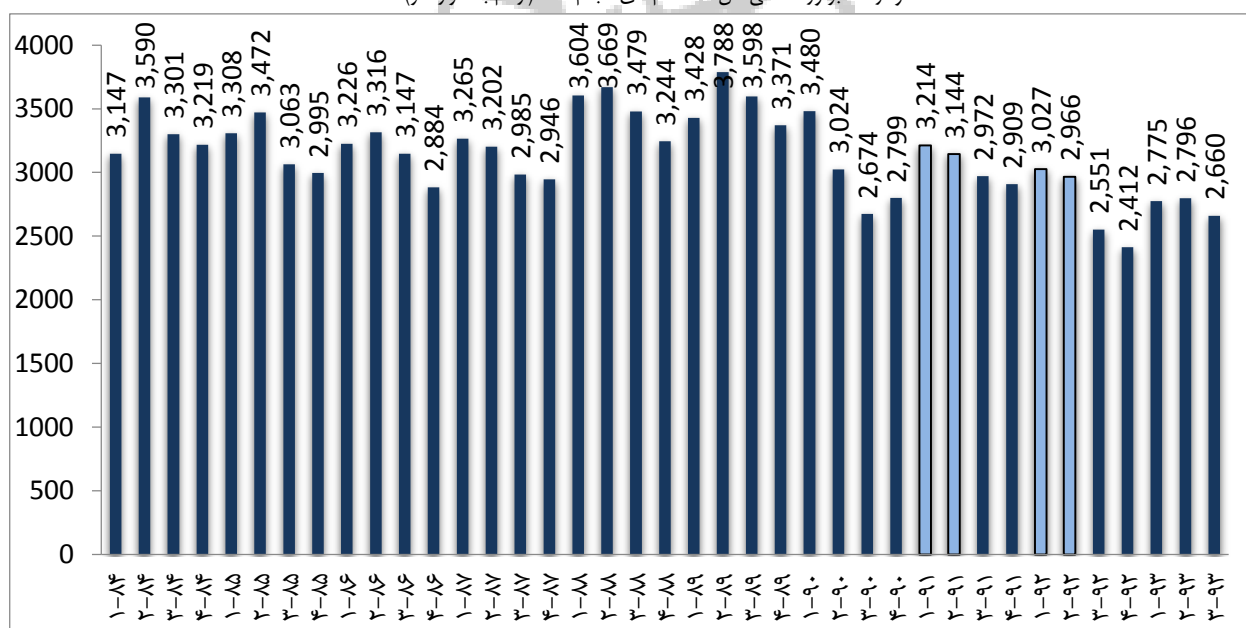
در نمودارهای ۲ و ۳ نتایج برآورد دو متغیر توضیح داده شده برای ارائه تخمینی از ورود به جمعیت شاغل نشان داده شده است. نکته جالب توجه آن است که برآوردهای انجام شده نشان می‌دهد تعداد شغل اولی‌ها در فصل اول سال ۱۳۹۲ نسبت به فصل اول سال ۱۳۹۱ افزایش قابل توجهی نیافته است و مشابه مقادیر سال ۱۳۹۱ است. در خصوص تعداد کل استخدام‌های انجام شده، نه تنها افزایشی در فصول ابتدایی سال ۱۳۹۲ نسبت به فصول مشابه سال ۱۳۹۱ مشاهده نمی‌شود، بلکه اندکی از تعداد استخدام‌های انجام شده کاهش یافته است. لذا می‌توان نتیجه گرفت در فصول اول و دوم سال ۱۳۹۲ شغل جدیدی بیش از دو فصل اول و دوم سال ۱۳۹۱ ایجاد نشده است. بنابراین افزایش اشتغال دو فصل اول سال ۱۳۹۲ را نمی‌توان به افزایش ایجاد شغل جدید یا افزایش استخدام‌ها نسبت داد. از سوی دیگر در این دو نمودار مشاهده می‌شود میزان ورود به جمعیت شاغل دارای دو دوره متفاوت در بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ است. بدین معنی که از سال ۱۳۹۰ به بعد میزان ورود به جمعیت شاغل نسبت به سال‌های ۱۳۹۰ به قبل کاهش یافته و روند آن نیز که تا قبل از سال ۱۳۹۰ روندی تقریباً با ثبات بوده، به روندی نزولی تبدیل شده و در سال ۱۳۹۳ کمترین میزان ورود به جمعیت شاغل نسبت به تمامی سال‌های قبل رقم خورده است. این نتایج در نمودارهای ۴ و ۵ نمایش داده شده است.



نمودار ۲- برآورد فصلی جمعیت شغل اولی‌ها (ارقام به هزار نفر)



نمودار ۳- برآورد فصلی کل استخدام‌های انجام شده (ارقام به هزار نفر)

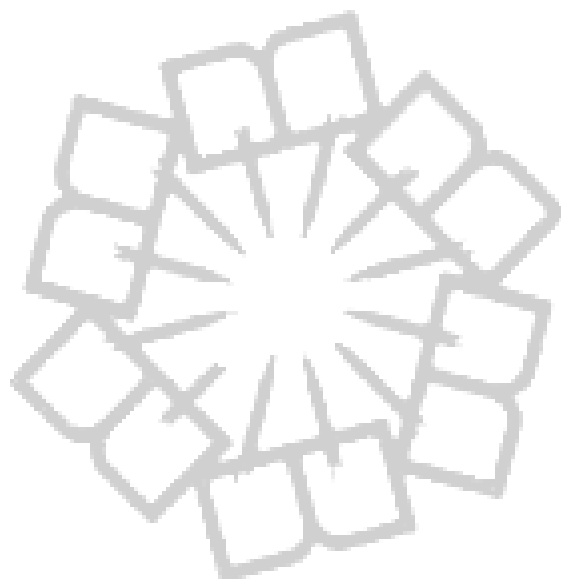


همان‌طور که در نمودارهای ۴ و ۵ مشاهده می‌شود، میانگین تعداد شغل اولی‌ها در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ در حدود ۲۰۰ هزار نفر از میانگین دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ کمتر است که نشان می‌دهد تعداد شغل اولی‌ها در سال‌های اخیر بیش از ۲۰ درصد کاهش یافته است. در خصوص تعداد کل استخدام‌ها نیز طی سال‌های ۱۳۹۰ به بعد در حدود ۴۲۰ هزار نفر کاهش مشاهده می‌شود. علاوه بر کاهش میانگین ورود به جمعیت شاغل در سال‌های ۱۳۹۰ به بعد، نکته کلیدی در این نمودارها روند نزولی میزان ورود به جمعیت شاغل است. به طوری که در سال ۱۳۹۳ میزان ورود به جمعیت شاغل به کمترین میزان طی دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ رسیده است.

در مجموع از آنجایی که میزان ورود به جمعیت شاغل در دو فصل ابتدایی سال ۱۳۹۲ نسبت به سال ۱۳۹۱ افزایش نیافته است، نمی‌توان افزایش اشتغال در این دو فصل را بیانگر ایجاد شغل جدید یا افزایش استخدام‌های انجام شده قلمداد کرد. در نتیجه با توجه به مطالب ذکر

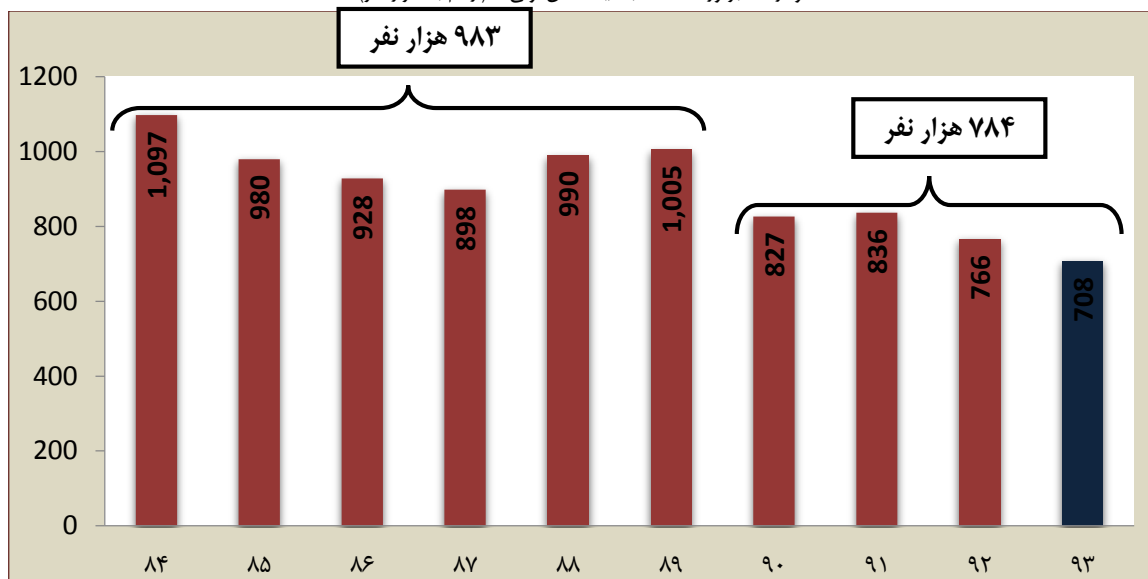


شده در خصوص دینامیک تغییرات جمعیت شاغل، تنها گزینه ممکن برای توضیح افزایش تعداد شاغلان فصل اول و دوم سال ۱۳۹۲ نسبت به فصل اول و دوم سال ۱۳۹۱، کاهش خروج شاغلان در این فصول نسبت به فصول مشابه در سال‌های قبل است. لذا اگر مشاهده شود بنابر ساختار بازار کار کشور در هر دوره درصدی مشخص از جمعیت شاغل، بیکار یا غیرفعال می‌شوند و در دوره‌ای بنا بر دلایل مختلف، خروج از جمعیت شاغل کاهش معناداری یافته است و در کنار آن افزایش معناداری در شغل‌های جدید و استخدام‌های انجام شده رخ نداده است، عدم خروج از جمعیت شاغل می‌تواند سبب افزایش جمعیت شاغل در یک دوره خاص شود. در ادامه تحولات خروج از جمعیت شاغل بررسی شده است.

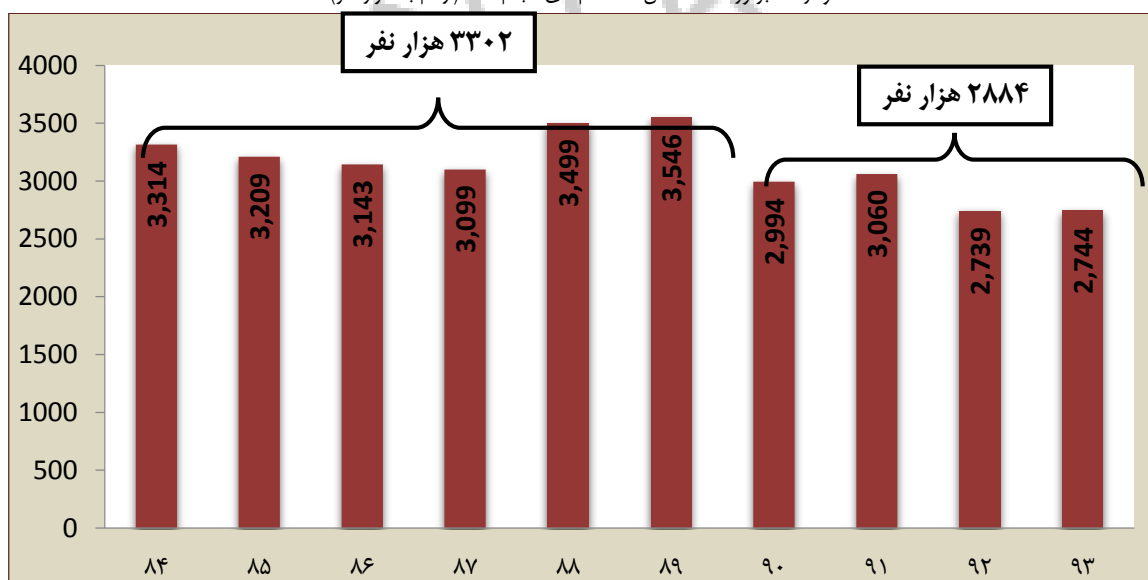




نمودار ۴- برآورد سالانه جمعیت شغل اولی ها (ارقام به هزار نفر)



نمودار ۵- برآورد سالانه کل استخدام های انجام شده (ارقام به هزار نفر)

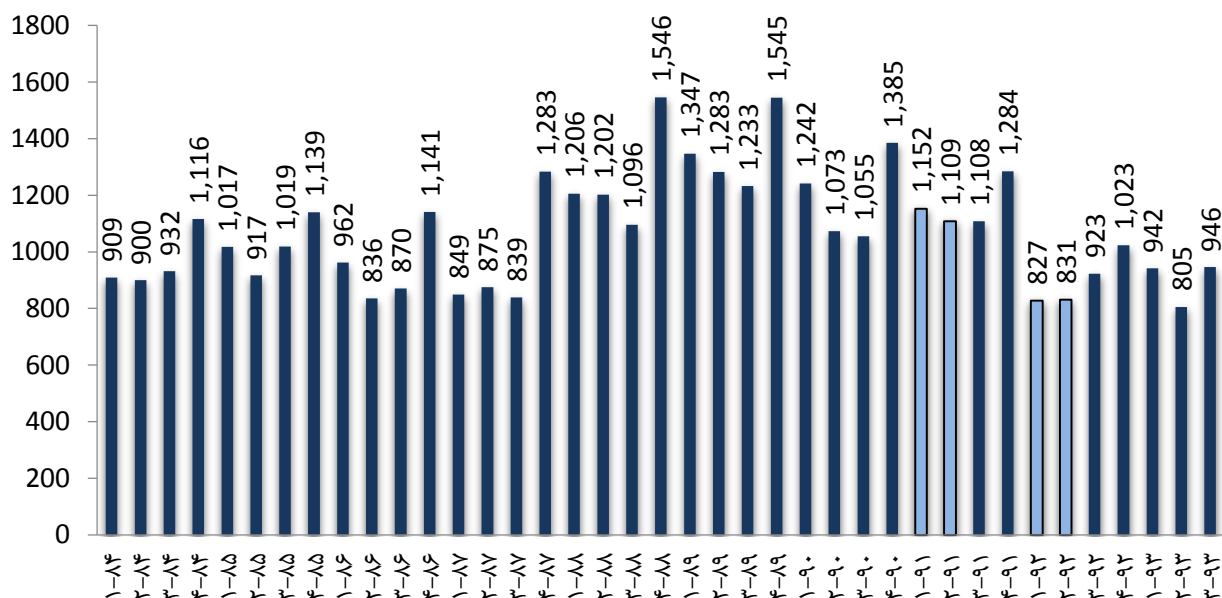




۱-۲- بررسی نتایج برآورد میزان خروج از جمعیت شاغل:

در نمودار ۴ تعداد افراد شاغلی که در سال منتهی به هر فصل بیکار شده‌اند نشان داده شده است (بخشی از خروج از جمعیت شاغل در سال منتهی به هر فصل). همانطور که مشاهده می‌شود طی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ در سال منتهی به هر فصل همواره بیش از یک میلیون نفر از شاغلان بیکار شده‌اند. اما در دو فصل ابتدایی سال ۱۳۹۲ تعداد خروج از جمعیت شاغل (شاغلان بیکار شده) بصورت معناداری کم شده و در حدود ۳۰۰ هزار نفر (یا معادل ۲۵ درصد از آنچه در فصول قبل از جمعیت شاغل به دلیل بیکار شدن خارج می‌شدند) کاهش یافته است. همانطور که توضیح داده شد، از آنجایی که امکان برآورد تمامی میزان خروج از جمعیت شاغل در هر فصل وجود ندارد، میزان کاهش خروج محاسبه شده نمی‌تواند تمامی افزایش اشتغال در دو فصل ابتدایی سال ۱۳۹۲ را توضیح دهد. اما کاهش معنادار تعداد شاغلان بیکار شده در دو فصل اول سال ۱۳۹۲، می‌تواند بیانگر بروز این تحول در کل تعداد افرادی باشد که در هر فصل از جمعیت شاغل خارج می‌شدند. تصمیم بر عدم خروج از جمعیت شاغل را می‌توان ناشی از سایر تحولاتی دانست که سبب شد بسیاری از متغیرهای اقتصادی در سال ۱۳۹۲ رفتار متفاوتی از خود نشان دهند. با این تفاوت که تحولات خروج از جمعیت شاغل که وابسته به تصمیم افراد شاغل یا کارفرمایان آنهاست، زودتر از سایر متغیرها به تحولات اقتصادی واکنش نشان داده است و انتظارات شکل گرفته برای بهبود شرایط سبب به تعویق انداختن تصمیمات آنها شده است.

نمودار ۶- برآورد تعداد افراد بیکار شده در سال منتهی به هر فصل (ارقام به هزار نفر)



بر اساس نتایج نمودار ۶ می‌توان علت اصلی افزایش اشتغال در دو فصل ابتدایی سال ۱۳۹۲ را، کاهش میزان خروج از جمعیت شاغل دانست. از آنجایی که معنی خروج از جمعیت شاغل در این بررسی تعداد بیکارانی است که قبلاً شاغل بوده‌اند، می‌توان اینگونه استنباط کرد که این بخش از خروج از بازار کار بیشتر غیراختیاری و ناشی از تصمیم کارفرمایان بوده است. زیرا اگر فردی در یک دوره شاغل باشد و در دوره بعد غیرفعال شود، بدین معنی است که در جستجوی شغل نیست. لذا این بخش از خروج از جمعیت شاغل را بیشتر می‌توان ارادی و ناشی از تصمیماتی مانند ادامه تحصیل، فرزندآوری یا خانه‌دار شدن (برای زنان) و موارد مشابه دانست. اما وقتی فرد شاغلی در دوره بعدی بیکار می‌شود، بدین معنی است که این فرد در جستجوی کار است. لذا این موضوع بیشتر به دلیل از تعدیل نیرو یا شکست در کسب و کار (برای کارکنان مستقل و کارفرمایان) رخ می‌دهد. البته ممکن است کیفیت پایین شغل نیز منجر به تصمیم برای خروج از شغل و جستجو برای شغل بهتری باشد. ولی می‌توان با اغماض تعداد بیکارانی که قبلاً شاغل بوده‌اند را به عنوان بخش غیراختیاری خروج از بازار کار در نظر گرفت. بر این اساس، کاهش تعداد خروج از جمعیت شاغل در دو فصل اول سال ۱۳۹۲ (و فصول سال ۱۳۹۳) می‌تواند ناشی از تصمیم کارفرمایان برای



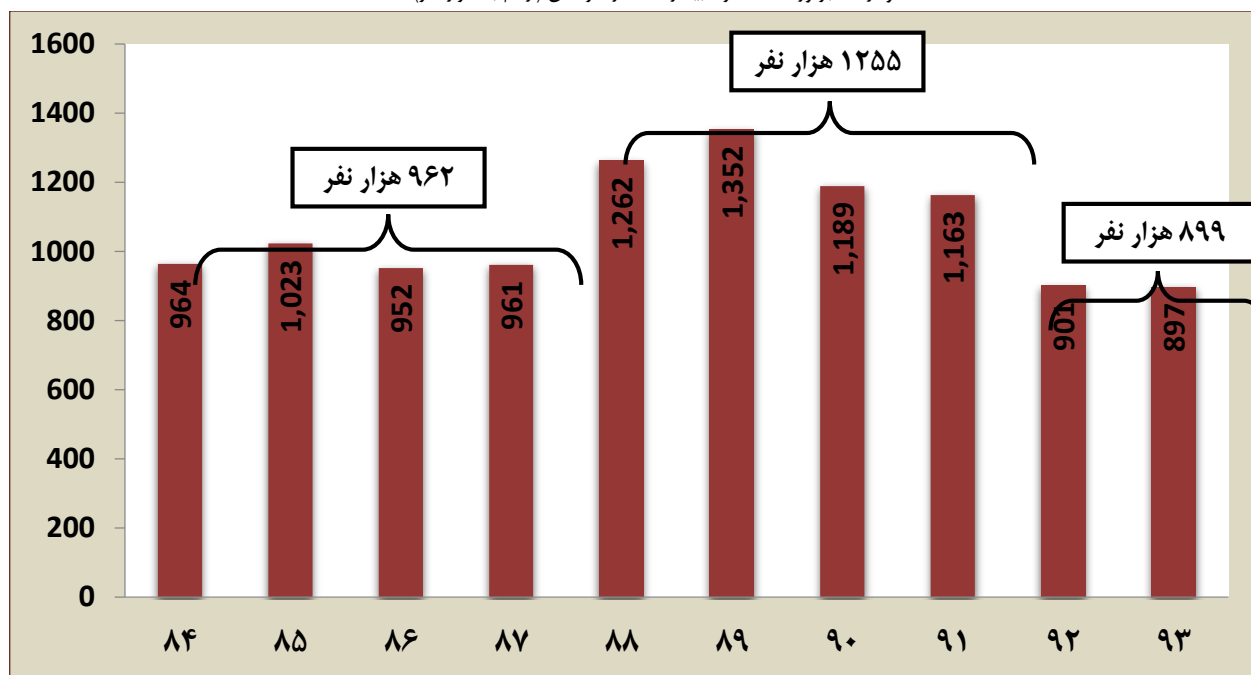
به تعویق انداختن تعدیل نیروی کار یا ناشی از تصمیم کارکنان مستقل برای تداوم کسب و کار خود در شرایط نامناسب به امید فضای مناسب‌تر اقتصادی باشد. لذا اینگونه استنباط می‌شود که از ابتدای سال ۱۳۹۲ و با توجه به نزدیکی به انتخابات و امکان تغییر قابل توجه سیاست‌گذاری دولت و بالطبع ایجاد شرایط متفاوت اقتصادی، کارفرمایان و کارکنان مستقل تصمیمات خود را برای دوره‌ای به تعویق انداخته‌اند. اما مجدداً در فصل سوم و چهارم سال ۱۳۹۲ بخشی از کاهش خروج از جمعیت شاغل تعدیل شده است.

روند تغییرات میزان خروج از جمعیت شاغل نیز قابل توجه است. به نظر می‌رسد می‌توان تحولات خروج از جمعیت شاغل طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ را به سه دوره متفاوت تقسیم کرد؛ اول فاصله بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ که در هر سال تعداد خروج از جمعیت شاغل در محدود ۹۵۰ هزار تا یک میلیون نفر در نوسان بوده است. سپس در فاصله سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ میزان خروج از جمعیت شاغل با یک پله افزایش به محدوده یک میلیون و ۲۵۰ هزار نفر می‌رسد و در دوره سوم نیز میزان خروج از جمعیت شاغل با کاهش قابل توجه به محدوده ۹۰۰ هزار نفر می‌رسد (نمودار ۷). نکته مهم در نمودارهای ۶ و ۷ آن است که در سال ۱۳۹۳ همچنان میزان خروج نسبت به مقادیر قبلی پایین است و به ارقام دوره‌های قبل بازنگشته است. لذا با توجه به نتایج برآورد میزان ورود به جمعیت شاغل در قسمت قبل و برآورد میزان خروج از جمعیت شاغل در این قسمت، به روشنی می‌توان استنباط کرد مشابه دو فصل ابتدایی سال ۱۳۹۲، بهبود نسبی وضعیت اشتغال در سال ۱۳۹۳ ناشی از کاهش خروج نسبت به دوره‌های قبل بوده است و نمی‌توان آن را ناشی از ایجاد شغل‌های جدید و افزایش فرصت‌های شغلی دانست.

در خصوص علت تحولات میزان خروج از جمعیت شاغل در سال ۱۳۹۳ دو تفسیر متفاوت قابل ارائه است: اولین تفسیر که به مطالعه عمیق‌تری نیاز دارد این است که کاهش خروج از جمعیت شاغل در سال ۱۳۹۳ ناشی از آغاز فرآیند خروج از رکود است که بر این اساس بنگاه‌های اقتصادی توانسته‌اند نیروی کار خود را حفظ نمایند و ممکن است با بهبود شرایط اقتصادی، ورود به جمعیت شاغل نیز افزایش یابد. این تفسیر مبتنی بر این **فرض** است که در فرآیند خروج از رکود، ابتدا خروج از جمعیت شاغل کاهش می‌یابد و سپس میزان ورود افزایش می‌یابد. لذا برای پذیرش این تفسیر لازم است بررسی دقیق‌تری در خصوص این فرض صورت گیرد. اما تفسیر دوم که بیشتر واقع‌بینانه به نظر می‌رسد این است که همچنان فضای انتظاری بر بازار کار حاکم است و با توجه به مسائل مذاکرات و احتمال برداشته شدن تحریم‌ها و ... بنگاه‌های اقتصادی همچنان در انتظار فضای مناسب اقتصادی تصمیمات خود در خصوص تعدیل نیرو یا تعطیل نمودن کسب و کارهای خود را به تعویق انداخته‌اند. این تفسیر بر این **مشاهده** استوار است که در سال ۱۳۹۳ تعداد شغل اولی‌ها و تعداد کل استخدام‌های انجام شده کاهش یافته است و در کنار آن تعداد خروج نیز کاهش یافته است. بدین معنی که طی سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ شرایط خاصی بر بازار کار حاکم شده است که در نتیجه آن پویایی بازار کار و میزان جایگزینی نیروی کار کاهش یافته است. لذا بعید است این شرایط ناشی از بهبود شرایط بازار کار باشد. بلکه بیشتر به نظر می‌رسد در اثر شرایط انتظاری موجود، پویایی بازار کار در جایگزین نمودن شغل‌ها کاهش یافته و سمت تقاضای بازار کار همچنان در انتظار تغییراتی اساسی در شرایط اقتصادی کشور است.



نمودار ۷- برآورد تعداد افراد بیکار شده در هر سال (ارقام به هزار نفر)



۳-۱- جمع‌بندی

در مقدمه ذکر شد که این بررسی در پی پاسخگویی به دو سوال مشخص است و بر این اساس تحلیل پویایی تحولات جمعیت شاغل مورد توجه قرار گرفت. لذا در این بخش به عنوان جمع‌بندی پاسخ دو سوال مطرح شده ارائه می‌شود.

سوال ۱: علت افزایش اشتغال در دو فصل ابتدایی سال ۱۳۹۲ چیست؟

- با توجه به عدم افزایش معنادار تعداد شغل اولی‌ها و استخدام‌های انجام شده در دو فصل ابتدایی سال ۱۳۹۲ نسبت به فصول ابتدایی سال ۱۳۹۱ در کنار کاهش معنادار خروج از جمعیت شاغل در این دو فصل، این نتیجه حاصل می‌شود که افزایش اشتغال در دو فصل ابتدایی سال ۱۳۹۲ ناشی از ایجاد شغل یا فرصت‌های جدید نبوده است. بلکه کاهش میزان خروج از جمعیت شاغل - که به نظر می‌رسد از فضای انتظاری ناشی از تحولات سیاسی کشور نشأت گرفته باشد - سبب بیشتر شدن آمار جمعیت شاغلان نسبت به سال‌های قبل بوده است.

سوال ۲: آیا افزایش نسبی اشتغال در سال ۱۳۹۳ نسبت به فصول انتهایی سال ۱۳۹۲ ناشی از بهبود شرایط اقتصادی است و پایدار خواهد ماند؟

- در سال ۱۳۹۳ تعداد شغل اولی‌ها و تعداد کل استخدام‌های انجام شده در ادامه یک روند نزولی که از سال ۱۳۹۰ آغاز شده است به کمترین میزان خود طی ۱۰ سال اخیر رسیده است. از سوی دیگر میزان خروج از جمعیت شاغل در پی کاهش سال ۱۳۹۲، در سال ۱۳۹۳ نیز به مقادیر قبلی باز نمی‌گردد. بنابراین به نظر می‌رسد انتظارات نسبت به آینده، از اثر گذاری بالایی در بازار کار کشور برخوردار است و ثبات میزان خروج از جمعیت شاغل نسبت به سال ۱۳۹۲ سبب شده است میزان اشتغال سال ۱۳۹۲ در سال ۱۳۹۳ تثبیت شود و با توجه به ثبات تحولات سیاسی و ثبات نسبی اقتصاد کلان، نوسانات ورود، خروج و تعداد کل شاغلان در این سال کم بوده است. با توجه به این تفسیر نمی‌توان این وضعیت را با ثبات دانست و تحولات آتی در وضعیت تحریم‌ها و فضای اقتصادی کشور می‌تواند اثرات تعیین کننده‌ای بر میزان ورود و خروج به جمعیت شاغل و در نتیجه میزان اشتغال کل داشته باشد.

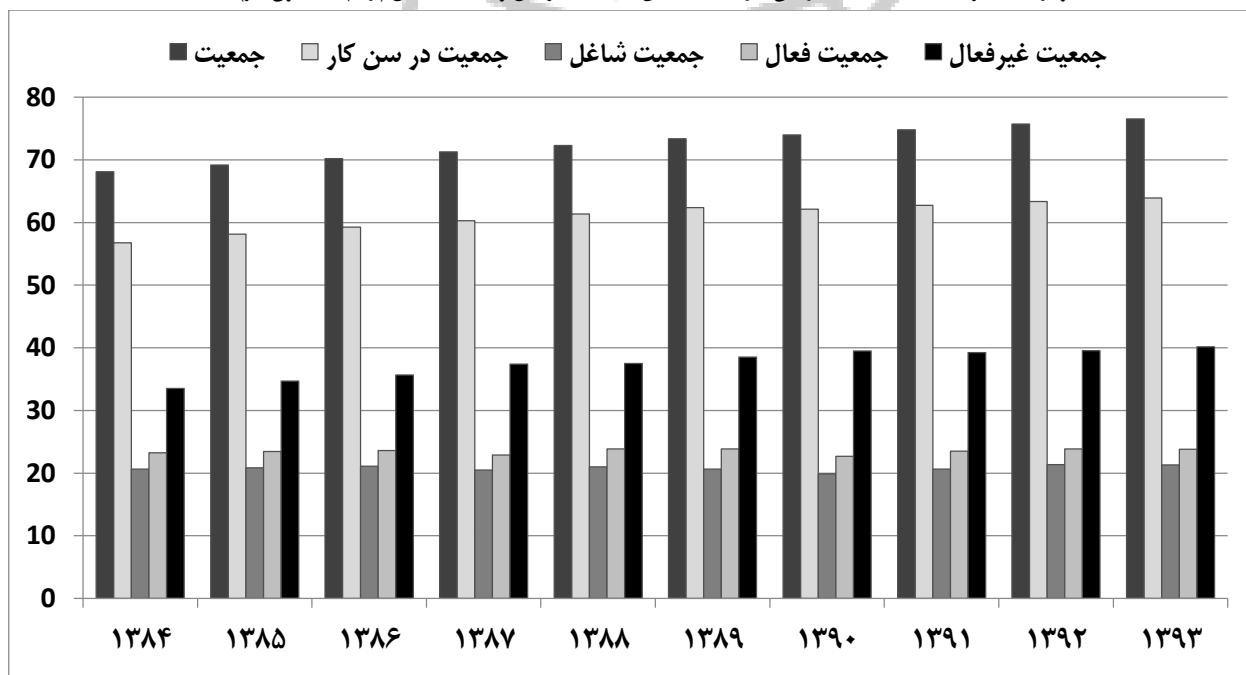


۲- تحولات احتمالی بازار کار در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵

بنابر آنچه در بخش قبل اشاره شد بازار کار کشور در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ تحولات ویژه‌ای داشته است. به گونه‌ای که پویایی و جایگزینی نیروی کار از سمت کارفرمایان و افراد دارای مشاغل مستقل (سمت تقاضای نیروی کار) تا حدی کاهش یافته است. بالعکس با بررسی آمارهای نرخ مشارکت، نشانه‌هایی دال بر اینکه از سمت عرضه نیروی کار تحرکات جدیدی برای ورود به بازار کار در حال وقوع است، مشاهده می‌شود. به طوریکه این تحولات بر خلاف روند نرخ مشارکت طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ است. طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ جمعیت جوان تمایل کمتری برای حضور در بازار کار از خود نشان می‌داد و نرخ مشارکت پیوسته در حال کاهش و جمعیت غیرفعال در حال افزایش بود.

طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳، در حدود ۸,۴ میلیون نفر به جمعیت کشور افزوده شده است (متوسط ۹۳۲ هزار نفر در هر سال) و از این تعداد نزدیک به ۷,۲ میلیون نفر به جمعیت در سن کار (جمعیت ۱۰ سال و بیشتر) اضافه شده است (متوسط ۷۹۷ هزار نفر در هر سال). اما از این تعداد تنها ۵۶۵ هزار نفر وارد جمعیت فعال شده و مابقی یعنی در حدود ۶,۶ میلیون نفر به جمعیت غیرفعال اضافه شده است. این تحولات سبب شده است نرخ مشارکت از ۴۱ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۳۷,۳ درصد در سال ۱۳۹۳ برسد. لذا با توجه به عدم اشتغال‌زایی قابل توجه بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ (۶۸۴ هزار نفر افزایش طی این دوره معادل افزایش ۷۶ هزار نفر در هر سال)، رشدهای اتفاق افتاده در جمعیت کشور در دهه‌های قبل و افزایش جمعیت جوان کشور در نیمه دوم دهه ۸۰، به صورت هشدار گونه‌ای، تماما به جمعیت غیرفعال منتقل شده است. (نمودار ۸)

نمودار ۸- تغییرات جمعیت، جمعیت در سن کار، جمعیت فعال، جمعیت غیرفعال و جمعیت شاغل (ارقام به میلیون نفر)

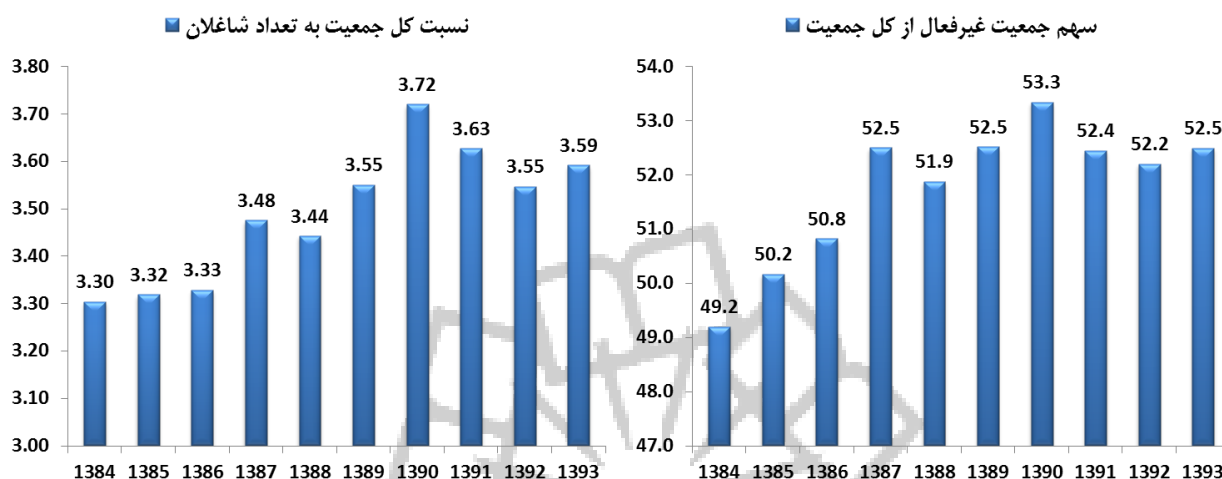


عدم افزایش اشتغال در دهه گذشته و افزایش جمعیت غیرفعال تأثیراتی بر "نسبت کل جمعیت به تعداد شاغلان" و "سهم جمعیت غیرفعال از کل جمعیت" داشته است. نسبت کل جمعیت به تعداد شاغلان به این معنی است که به طور متوسط هر فرد شاغل تامین کننده چند نفر است. بنا بر نتایج نمودار ۹ این متغیر طی سال‌های ۸۴ تا ۹۳ از ۳,۳ به حدود ۳,۶ درصد رسیده است. بدین معنی که در اقتصاد ایران و در



سال ۱۳۹۳ هر فرد شاغل، تامین کننده ۳٫۶ نفر است که این رقم در مقایسه با نرم‌های جهانی بسیار بالاتر است^۱. افزایش این نسبت طی سال‌های اخیر به معنای دشواری تامین نیازهای خانوارها و در نتیجه گسترش فقر است. "سهم جمعیت غیرفعال از کل جمعیت" نیز نشان می‌دهد چند درصد کل جمعیت یک کشور فعال نیستند. میزان بالای این سهم، روند افزایشی آن و به خصوص سهم غالب نیروی جوان و تحصیل کرده در بین جمعیت غیرفعال، هشدار جدی برای بروز انواع مختلفی از نابسامانی‌های اجتماعی است. بنا بر نتایج نمودار ۹ این نسبت در کشور حدود ۵۰ درصد است و طی دهه اخیر روندی افزایشی را نیز طی کرده است. بنابراین تداوم وضعیت بازار کار کشور، دو نتیجه محتوم گسترش فقر و افزایش نابسامانی‌های اجتماعی مانند افزایش اعتیاد، طلاق، جرم و ... را در پی دارد.

نمودار ۹- "نسبت کل جمعیت به تعداد شاغلان" و "سهم جمعیت غیرفعال از کل جمعیت"



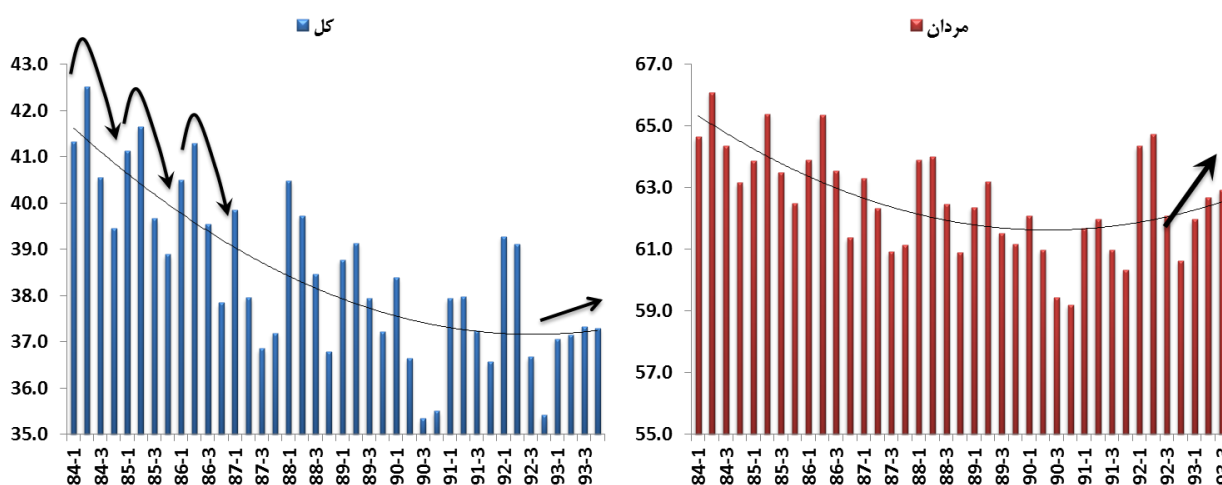
^۱ متوسط جهانی این نسبت در سال ۲۰۱۰، ۲٫۳ بوده است و در بسیاری از کشورها، به خصوص کشورهای شرق آسیا و کشورهای پیشرفته این نسبت از متوسط جهانی نیز پایین‌تر است.



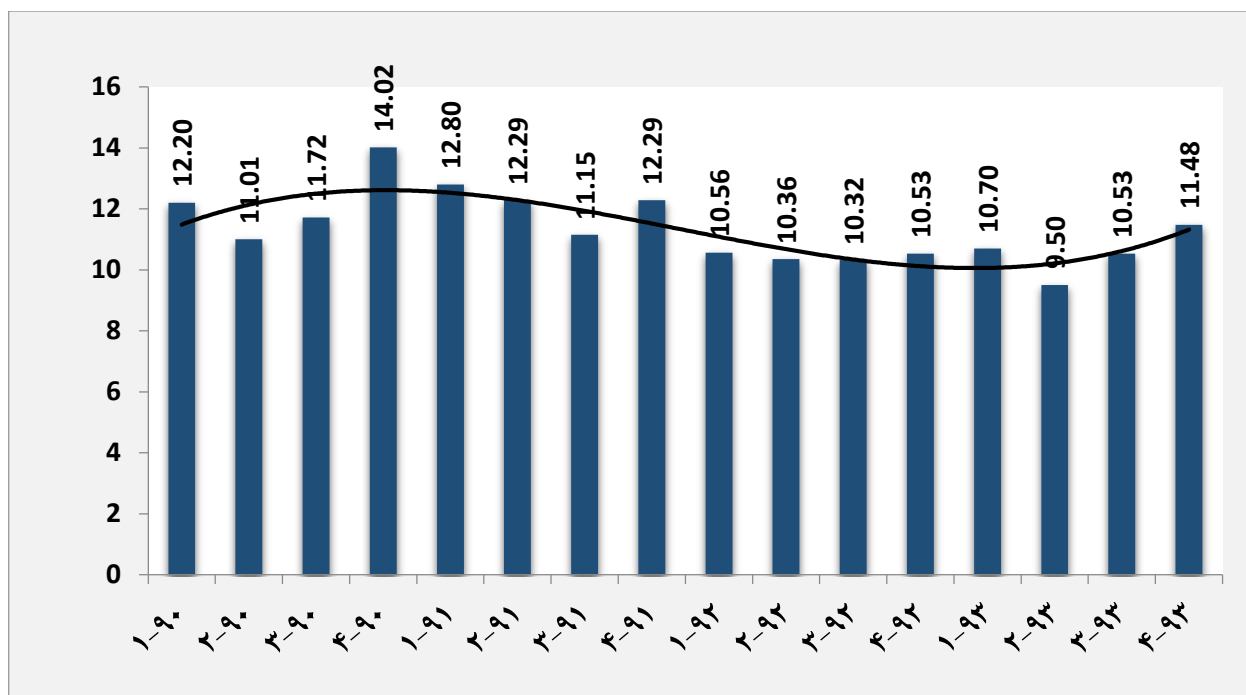
از سوی دیگر همان‌طور که در ابتدای این بخش ذکر شد بررسی آمارهای نرخ مشارکت نشان از بروز تغییراتی در تصمیم افراد غیر فعال برای ورود به بازار کار دارد. در نمودار ۱۰ مشاهده می‌شود که نرخ مشارکت طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ روندی کاهشی را پیموده و تقریباً طی فصول مختلف الگوی یکسانی تکرار شده است. بدین معنی که در هر سال نرخ مشارکت در فصل تابستان از سایر فصول بیشتر است و پس از آن به ترتیب فصول بهار، پاییز و زمستان قرار دارند. اما به نظر می‌رسد تغییرات این نرخ در سال ۱۳۹۳ متفاوت از سال‌های قبل است و علاوه بر آنکه روند کاهشی نرخ مشارکت متوقف شده، الگوی فصلی آن نیز به کلی تغییر کرده است. برای مردان این تغییرات نمایان‌تر است. تداوم این وضعیت در سال ۱۳۹۴ به معنی تغییر تصمیم جمعیت غیرفعال برای خارج ماندن از بازار کار است و بخشی از این جمعیت تصمیم به جستجو برای یافتن شغل خواهد گرفت. بررسی دقیق‌تر آمار تغییرات جمعیت فعال در فصول پاییز و زمستان سال ۱۳۹۳ نسبت به فصول مشابه سال ۱۳۹۴ این تحولات را بهتر نمایان می‌سازد:

- در فصل پاییز ۹۳ نسبت به فصل مشابه سال قبل، ۶۳۴ هزار نفر به جمعیت فعال اضافه شده که از این تعداد حدود ۱۸ درصد به تعداد بیکاران (۱۱۹ هزار نفر) و ۸۲ درصد به جمعیت شاغل (۵۴۴ هزار نفر) افزوده شده است.
 - در فصل زمستان ۹۳ نسبت به فصل مشابه سال قبل، یک میلیون و ۴۱۷ هزار نفر به جمعیت فعال اضافه شده که از این تعداد حدود ۲۷ درصد به تعداد بیکاران (۳۷۸ هزار نفر) و ۷۳ درصد به جمعیت شاغل (یک میلیون و ۳۹ هزار نفر) افزوده شده است.
- لذا اگر فرض شود طی فصول آتی هم همین وضعیت، یعنی روند افزایشی نرخ مشارکت و در نتیجه افزایش جمعیت فعال ادامه داشته باشد و اقتصاد قادر نباشد متناسب با این تحولات اشتغال جدید ایجاد نماید، نرخ بیکاری روندی افزایشی را در پیش خواهد گرفت. لذا با وجود آنکه اشتغال افزایش می‌یابد، نرخ بیکاری و تعداد بیکاران نیز افزایش خواهد یافت (نمودار ۱۱ نشان می‌دهد همین اتفاق در فصول پاییز و زمستان ۹۳ رخ داده است). در مجموع، بررسی مختصر انجام شده در این بخش نشان می‌دهد عدم بهبود شرایط اقتصادی می‌تواند با تداوم روند ۱۰ سال گذشته، گسترش فقر و افزایش احتمال بروز مسائل اجتماعی-سیاسی را در پی داشته باشد و از سوی دیگر بهبود محدود شرایط اقتصادی نیز هر چند مثبت بوده و می‌تواند منجر به افزایش اشتغال شود، اما ممکن است علی‌رغم افزایش اشتغال، نرخ بیکاری نیز به دلیل ورود جمعیت غیرفعال به بازار کار افزایش یابد. بر این اساس وضعیت بازار کار کشور همچنان مهمترین مساله اقتصاد ایران در سال‌ها و فصول آتی است و لازم است سیاست‌گذاری ویژه و جامعی برای عبور از بحران آتی در دستور کار قرار گیرد.

نمودار ۱۰- نرخ مشارکت (درصد)



نمودار ۱۰- نرخ بیکاری (درصد)



جمع بندی:

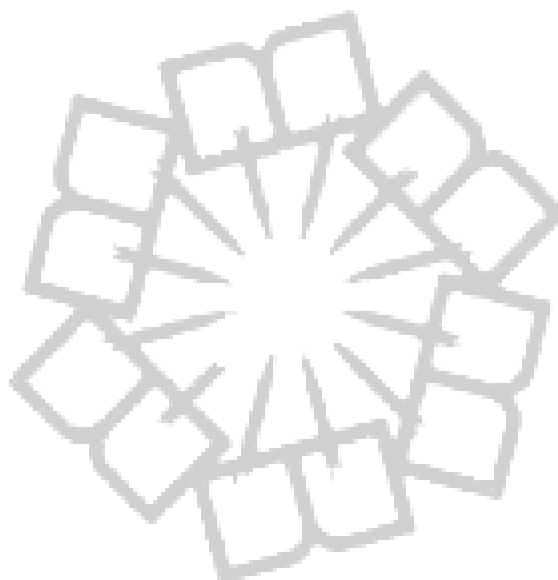
بررسی های انجام شده در این گزارش در مورد شرایط بازار کار در اقتصاد ایران بیان کننده آن است که طی ده سال گذشته، به طور کاملاً استثنایی، بیشترین میزان افزایش جمعیت در سن کار و کمترین میزان اشتغال به طور همزمان اتفاق افتاده است. عدم انعکاس این شکاف بزرگ در نرخ بیکاری ناشی از دو عامل افزایش قابل توجه تعداد دانشجویان از یک طرف- که به معنی به تعویق افتادن و ورود یکباره جمعیت تحصیل کرده به بازار کار است- و اثر مایوس شدن بخش دیگری از جمعیت و عدم ورود به جمعیت جویای کار بوده است. در صورتی که خوش بینی نسبت به آینده در جامعه ایجاد شود، حجم بزرگی از جمعیت غیرفعال، به میزانی بسیار فراتر از ظرفیت ایجاد شغل در اقتصاد، می توانند به جمعیت فعال تبدیل شوند که حاصل آن، حتی در صورت عملکرد مناسب و مطلوب اقتصاد، همراه با اشتغال زایی بالا، افزایش قابل توجه نرخ بیکاری خواهد بود. بررسی های به عمل آمده در این گزارش نشان داد که از ابتدای سال ۱۳۹۲، احتمالاً به دلیل خوش بینی ناشی از تحولات مورد انتظار در فرایند انتخابات ریاست جمهوری، میزان خروج از بازار کار به میزان قابل توجهی کاهش داشته است. این فرایند در سال ۱۳۹۳ هم تکرار شده و علاوه بر آن، انتقال از جمعیت غیر فعال به فعال نیز از سال ۱۳۹۳ آغاز شده است. تغییر در الگوی نرخ مشارکت در کنار بروز علایم بهبود انتظارات از سال ۱۳۹۲، در کنار افزایش قابل انتظار در تعداد دانش آموختگان دانشگاهی، بیانگر نکات مهمی در مورد آینده بازار کار در اقتصاد ایران طی سال های نزدیک پیش رو است.

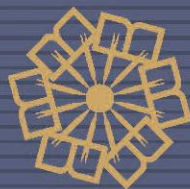


مراجع:

[۱] مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری نیروی کار ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳.

- [2] Lin, Z., Picot, G., Compton, J., "The Entry and Exit Dynamics of Self-Employment in Canada", Small Business Economics, Vol. 15, Issue 2, pp. 105-125, 2000.
- [3] Abowd, JM., Corbel, P., Kramarz, F., "The Entry and Exit of Workers and the Growth of Employment: An Analysis of French Establishments", the Review of Economics and Statistics, Vol. 81, No. 2, pp. 170-187, 1999.





نشانی: تهران، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، جمال آباد، خیابان شهید مختار عسکری، شماره ۶

تلفن: ۲-۲۲۸۰۱۹۰۰